



آنومی شدن فاصله سبک زندگی در شمال و جنوب شهر

# بدون ویزا به شمال تهران بروید!

■ حسن فرامرزی

**برای همه ما پیش آمده که وقتی در شمال تهران هستیم – حالا بهانه‌اش می‌تواند ز یارت باشد یا یک مهمانی یا تفرجگاه‌های شمالی تهران و بوستان‌ها یا به ندرت جرئت خرید در شمال شهر – با دیدن ساختمان‌ها و برج‌ها احساس غریبی می‌کنیم. انگار که وارد دنیای دیگری شده‌ایم؛ دنیایی که نسبت‌هایش با آن چیزی که در جنوب، شرق و مرکز تهران می‌گذرد به کلی متفاوت است.**

■ گریزی از شمال و جنوب نیست اما...

در هر شهری، شمال و جنوبی وجود دارد و به یک معنا حضور شمال و جنوب گریزناپذیر است. اساسا اینکه تصور کنیم همه به یک گونه و شیوه زندگی کنند و به یک گونه برخورد باشند، نه ممدوح است و نه ممکن. ممکن نیست به خاطر اینکه استعداد و ظرفیت‌ها و مزاج‌ها و نقاط شروع زندگی در آدمیان متفاوت است. کسی شیم اقتصادی قوی‌ای دارد و بر خوردار تر، بگذریم که بخش قابل توجهی از تولید ثروت در ایران راننی و رابطه‌ای است اما نمی‌توان منکر شد که برخی فرصت‌های مالی را خوب بومی‌کشند، بنابراین برخوردار ترند، بر برخی هم در خانواده‌های متمول به دنیا می‌آیند و نقطه شروع آنها با بسیاری از افرادی که در خانواده‌های معمولی یا به شدت فقیر به دنیا می‌آیند متفاوت است. از آن طرف برابری کامل اقتصادی ممدوح و اخلاقی نیست، به خاطر اینکه به‌قول یکی از فلاسفه اخلاق نمی‌شود به دربان یک بیمارستان همان دستمزدی را داد که به یک جراح، چون ارزش کار یک جراح با یک دربان متفاوت است. علاوه بر اینکه این کار ممدوح نیست نهائیا به فروپاشی جامعه منجر می‌شود اگر یک جراح ببیند که به او همان دستمزدی داده می‌شود، که به یک دربان معمولی. مدعای این مطلب به هیچ‌عنوان این نیست که چرا شمال و جنوب در این شهر وجود دارد. همچنان که اشاره شد

**سبک‌نگرش**

■ **بهنام صدقی**

مسئولیت‌پذیری به معنای توانایی فرد در برآورده کردن نیازهای خود است، البته به شیوه‌ای که مانع برآورده شدن نیازهای دیگران نشود. کسی که احساس مسئولیت‌پذیری دارد، در جریان انجام مسئولیت خود احساس ارزشمندی و نیز احساس می‌کند برای دیگران شمرتمر است و آنها نیز برای او ارزش قائلند. او برای کار و کوشش انگیزه جدی دارد و سعی می‌کند تاکامی‌های خود را تحمل کند و بر دبار باشد تا اعتبار و ارزشمندی خود را پابن دارد.

وقتی شخص مسئولیت‌پذیر بنا به مسئولیت خود می‌گوید به خاطر ما کاری را انجام ندهد، تلاش خواهد کرد خواسته‌های ما را هم به خاطر ما و هم به خاطر افزایش اعتبار و ارزشمندی خودش برآورده کند. حرف بر سر بود و نبود احساس مسئولیت است. فردی که احساس مسئولیت ندارد ممکن است به قول‌های خود عمل کند یا نکند و این عمل کردن به قول خود بسته به احساس است که او در آن لحظه دارد یا میزان کوشش و تلاشی که فرضا باید انجام دهد و اینکه آیا در کار برای او نفعی وجود دارد یا نه. یک انسان مسئول کسی است که انگیزه تلاش دارد و احتمالا می‌تواند تاکامی‌ها را هم تحمل کند. یک انسان غیرمسئول نه رعایت حال دیگران را می‌کند و نه رعایت حال خودش را و در هر زمان یا خود رنج خواهد کشید یا باعث رنج دیگران خواهد شد. فرنگیس شریفی باستان، روانشناس بالینی در این باره می‌گوید: بحث مسئولیت‌پذیری تا جایی در زندگی انسان ما مهم و تعیین کننده است که آقای دکتر ویلیام گلسر، روانپزشک معروف در نظریات خود بیان می‌کند که مردم نه به علت اینکه بیمارند غیرمسئولانه عمل می‌کنند بلکه چون غیرمسئولانه عمل می‌کنند، بیمار به گفته شریفی باستان دیدگاه دکتر گلسر را چنین می‌توان تفسیر کرد: زمانی که انسان‌ها مسئولیت زندگی

ذات زندگی و اختلاف‌های وجود آدمیان ایجاب می‌کند

که این ناهمگونی‌ها باشند اما این مطلب به دنبال طرح این سؤال است که چرا زندگی شمالی‌های تهران هر روز شمالی‌تر و زندگی جنوبی‌ها هر روز جنوبی‌تر می‌شود. در واقع می‌خواهیم بگوییم چرا این حس در ما وجود دارد که انگار روز به‌روز فاصله جنوب و شمال تهران تشدید می‌شود طوری که آدم حس می‌کنند آرام‌آرام باید برای رفتن به شمال شهر ویزا بگیرد. این یعنی آنومی شدن و ناهنجاری فاصله شمال و جنوب شهر.

■ **از معلول شروع نکنیم**

نکته‌ای که به نظر ظریف است و باید به آن پرداخت این است که هر زمان این نوع مسائل و موضوعات طرح می‌شود صرفا به یکسری امور صوری و گاه‌شعاری واحساسی بسنده می‌شود در حالی که می‌دانیم این نسخه‌پیچی‌های روتینایی پاسخگو نیست.موضوع اینجاست که اگر می‌خواهیم فاصله سبک زندگی شمال و جنوب تهران و سایر کلانشهرها را کم کنیم،از معلول که همان مظاهر زندگی‌های فوق لوکس است نمی‌توانیم شروع کنیم. مثلا وقتی تقاضا برای به رخ کشیدن ثروت در شمال شهر وجود دارد شما با بستن مرزها و وضع قوانین هم نمی‌توانید جلوی این تقاضا را بگیرید، چون آن تقاضا به هسر نحو راه خودش را با قاچاق یا دور زدن قانون و رشوه و نظایر آن باز خواهد کرد اما اگر مثلا در جامعه‌ای تمهیداتی در فرهنگ عمومی اندیشیده شود که به رخ کشیدن ثروت از صورت یک هنجار بیرون بیاید، در آن صورت می‌توان امیدوار بود مظاهر وابسته به این نگرش نیز از نمای شهر حذف یا کم‌رنگ شود.

■ **نگذاریم فاصله‌ها بیشتر شود**

اگر چه دیدن بیشتر شدن فاصله زندگی مردم در شمال و جنوب یک شهر گزنده است و انواع آسیب‌های اجتماعی مثل حس حقارت، تبعیض و نفرت را در آدم‌ها بیدار می‌کند – چون آنها این‌س حس را دارند که این ثروت‌ها یا بخش قابل توجهی از این ثروت‌ها مشروع

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

## د

**چرا زندگی شمالی‌های تهران هر روز شمالی‌تر و زندگی جنوبی‌ها هر روز جنوبی‌تر می‌شود. چرا این حس در ما وجود دارد که انگار روز به روز فاصله جنوب و شمال تهران تشدید می‌شود طوری که آدم حس می‌کند آرام‌آرام باید برای رفتن به شمال شهر ویزا بگیرد. این یعنی آنومی شدن و ناهنجاری فاصله شمال و جنوب شهر**

نیست – اما نهائیا این مظاهر، معلول هستند و علت جای دیگری است که این مظاهر را می‌زاید. آنجاست که باید سرچشمه را گرفت، از یک اقتصاد غیر شفاف و راننی تا بخش خصوصی لاغر و نحیف. در واقع اگر ما می‌خواهیم سلامت ذهنی و روانی شهروندان را در شهر تأمین کنیم این کار صرفا با توصیه آنها به قیاس نکردن خود با دیگران انجام نخواهد شد. درست است که ما هر کدام باید این پیام را به خودمان بقیولانیم که قیاس‌های بی‌سر و ته نه تنها حال ما را خوب نمی‌کند بلکه با این قیاس‌ها حال ما بد می‌شود.

فردی را تصور کنید که در یک تفرایک بزر گراهی در تهران با خودروی پراید ۱۰ سال پیش خود ایستاده و با حسرت به خودرو بغلی او که دست کم یک میلیارد تومان قیمت دارد با حسرت نگاه می‌کند. هر چقدر که ما به این فرد بگوییم که نگاهش را از آن خودرو بدزدد و فقط به ماشین خودش نگاه کند باز او این خودرو را خواهد دید و دیدن این خودرو همان و به صف شدن انواع حسرت‌ها و پرشش‌ها همان اما بپذیریم که یک زاویه مهم در سلامت روانی جامعه این است که اولا ما اجازه ندهیم روز به روز فاصله زندگی و برخورداری میان شمال و جنوب یک شهر افزوده شود، در ثانی در گامی مهم‌تر سر منشأ ثروت‌ها را در جامعه شفاف کنیم، طوری که این شائبه در جامعه پیش نیاید هر در خودروی که در این جامعه به وجود آمده حاصل رانت و دزدی و اختلاس بوده است.

■ **شفاف کردن مسیر دستیابی به ثروت**

به نظر می‌رسد میان «شفاف کردن دستیابی افراد به ثروت و برخورداری‌ها» و «سلامت ذهنی افراد جامعه» رابطه مستقیمی وجود دارد. وقتی شهروندی بدانند که کسی خودروی نسبتا گران قیمتی را سوار می‌شود در حالی که او این خودرو را با تلاش، استعداد، کار آفرینی و فرصت‌سازی‌های مثبت به دست آورده قضاوت او درباره اقتصادی و معیشتی روبه‌رواست.

کسی که می‌تواند به خودش کمک کند، خود فرادست و رفتار مسئولانه را یاد بگیرد، نمی‌تواند برای ترک سیگار خودش اقدامی کند، چراکه او اولین گامی که باید بردارد یادگیری تعهد و پذیرش مسئولیت اعمالش است و هر گونه مداخله‌ای بدون این مهم، بی‌نتیجه خواهد ماند. مؤلفه مهمی که در بحث مسئولیت‌پذیری می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد، مفهوم منبع کنترل است. منبع کنترل یکی از ویژگی‌های شخصیتی و به معنای انتظار کلی فرد از نتایج یک رویداد است که یا در درون فرد یا فراسوی (بیرون) کنترل و فهم شخصی وی قرار می‌گیرد. افراد دارای کنترل درونی رویدادها را رفتار های خود نسبت می‌دهند اما افراد دارای کنترل بیرونی رویدادها را به ورای کنترل خویش ادراک می‌کنند. مسلمانا اینکه کدام یک از منابع کنترل بر فرد مسلط باشد، می‌تواند تعیین‌کننده سطح مسئولیت‌پذیری اشخاص باشد. افرادی که دارای منبع کنترل بیرونی هستند، از آنجایی که همه چیز را به خارج از کنترل شخصی خویش و به محیط نسبت می‌دهند، وقتی با مسئله‌ای مواجه می‌شوند، همچنان از آن ناحیه به آن می‌نگرند یعنی دست به رفتار غیرمسئولانه می‌زنند.

این افراد معمولا عصبی و بی‌اعتماد و تحریک‌پذیر هستند و در موقعیت‌های استرس زا معمولا از راهبردهای هیجان مدار و منفی استفاده می‌کنند. افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند، همه چیز را تحت مهار و کنترل خود می‌دانند، بنابراین وقتی با مسئله‌ای مواجه می‌شوند، دست به رفتارهای مسئولانه می‌زنند و در موقعیت‌های استرس زا موفق‌تر عمل می‌کنند و بیشتر از راهبردهای حل مسئله مبتنی بر مسئله مدار استفاده می‌کنند. در نهایت می‌توان گفت همین که انسان‌ها بتوانند مهار زندگی و مسئولیت اعمال خود را به دست بگیرند، سطح سلامت روانشان را تضمین می‌کنند و می‌توانند به بهترین وجه زندگی خود و کنترل آن را در دست بگیرند.

**نگاه**

زنده بودن یعنی مسئول بودن

## مسئولیت‌خواه هستیم نه مسئولیت‌پذیر

■ **حجت‌الاسلام مهدی حسین پور**

آمار از علاقه بیش از اندازه دانش آموزان به داشتن مسئولیت‌خبر می‌داد. اعمال و رفتارشان نیز گواه این مطلب بود. از رقابت داشتن برای سر گروه شدن و دیگران را تحت فرمان خود در آوردن، به خوبی می‌توان فهمید که همچون تشنه‌ای که به دنبال آب می‌دود، اینها نیز به دنبال مسئولیت‌وقدرت گرفتن هستند. اما وقتی برایشان از مسئولیت‌پذیری گفتیم و اینکه اگر مسئول شدیم، باید عواقب و تبعات آن را هم به گردن بگیریم، به یکباره شاهد سقوط ناگهانی آمار مسئولیت‌خواهی شدم! گویا فرشته مرگ، عزرا تیل، وارد جلسه شده بود! دیگر کسی به مسئولیت‌خواهی تمایلی نشان نمی‌داد! همه دوست داشتند مسئولیت بگیرند تا حکومت کنند و دیگران را به اطاعت از خود وادارند. ولی کسی دوست نداشت مسئولیت‌پذیر باشد و از این قدرت به نفع مردم استفاده کند. حتی آن دانش آموز که برای سر گروه شدن رقابت شدیدی داشت، حاضر نبود از این قدرت برای خدمت به دوستان و هم‌کلاسی‌هایش استفاده کند یا اگر مشکلی رخ می‌داد، حاضر به پاسخگویی نبود! فرم ثبت‌نام دانش آموزان مسئولیت‌خواه، پشت و رویش پر شده بود. بر خلاف فرم مسئولیت‌پذیران که سر گروهشان فریادی زد: دیگه کسی نبود؟ برم؟ فردا کسی نگه چرا متو ثبت نام نکردی‌ها!

■ **من زنده‌ام، پس مسئولیت دارم**

باندک دقتی در محیط پیرامون خود درمی‌یابیم که هر موجود زنده‌ای که زندگی می‌کند، به نوعی یک مسئولیت یا چندین نوع مسئولیت را بر عهده دارد که این مسئولیت را یا خودش پذیرفته است یا خداوند او را عهده‌دار این مسئولیت کرده است.

پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله می‌فرمایند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته» همه شما مسئول هستید و همه شما نسبت به زیر دستان خود مسئولیت دارید. قبل از برآمدن انواع مسئولیت‌ها، این سؤال مطرح است که آیا هر کدام از ما، مسئولیتی را که بر عهده داریم به خوبی انجام می‌دهیم یا نه؟!

نمونه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های واگذار شده از طرف خداوند:

-مسئول دعوت مردم به دین
-مسئولیت جهاد در راه خدا و دفاع از مظلومین
-مسئول حفظ وحدت میان مسلمین
-مسئولیت حفظ و نگهداری خانواده از آتش جنم
-مسئولیت انتخاب مادری خوب و پاکدامن برای فرزندان آینده
-مسئولیت از دواج فرزندان
-مسئولیت حفظ احترام پدر و مادر
-مسئولیت حفظ و نگهداری از اموال یتیم
-مسئولیت سپردن امانت‌ها به اهل و صاحبانش
-مسئولیت پیوند و ایجاد صلح بین خانواده‌ها



و سختی‌های مردم، هم‌نفس آنها نباشم؟! چقدر باید کوچک بود که به این لقب‌ها دل خوش کرد و در سختی‌های مردم شرکت نکرد؟!

■ **از دواج جوانان و مسئولیت همه ما**

رسول گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله می‌فرمایند: کسی که روز خود را شروع کند، در حالی که مسائل و کارهای مردم برایش مهم نباشند، مسلمان نیست، باید به فکر مردم باشیم، به فکر جوانان این سرزمین باشیم، باید بدانیم که شروع زندگی مشترک برای جوانان، زمینه‌سازی برای امنیت جامعه و جلوگیری از فساد است و هر کسی که به نوعی می‌تواند در این امر مهم خدمت کند، باید سریعا دست به کار شود که همین فراهم‌دهنده است. اقدامات لازم از طرف مسئولان مربوطه، برای تشویق به ازدواج

-مسئولیت کمک‌رسانی به مردم و رفع نیازهایشان
خود دختر: تربیت دخترانی سالم و صالح و عقیق و نمازخوان
خود دختر: صادق و قانع و پاکدامن و اهل گذشت و خوش اخلاق و نمازخوان

خانواده پدر: تربیت جوانی سالم و صالح و عقیق و اهل کار و نمازخوان
اهل کار و نمازخوان
خود پسر: صادق و جویای کار و پاکدامن و امانتدار و خوش اخلاق و نمازخوان

مسئولان دولتی: ایجاد اشتغال و ایجاد اشتغال و مشاوره‌های ماهانه برای زوجین، جهت آشنایی بیشتر تفاوت‌های فردی و سختی‌های اولیه زندگی و ارائه راهکارهای مناسب. این جلسات معلوم توسط متخصصین حوزه، نوعی پیشگیری و همچنین درمان واقعه قبل از وقوع آن است.

مسئولان کشوری؟
صداپیمان را به چه کسی باید برسانیم؟!
اصلا گوش شنوایی یافت می‌شود تا سخنی‌های از دواج و

## د

**مسئول یعنی کسی که مسئولیتی**

**را بر عهده گرفته برای تصاحب**

**قدرت و حکمرانی؟ یا اینکه**

**مسئولیتی را بر عهده گرفته**

**است برای خدمت و آبادانی؟!**

**مسئول یعنی کسی که مسئولیتی**

**را بر عهده گرفته تا باری بر**

**دوش مردم باشد؟! یا اینکه**

**مسئولیتی را بر عهده گرفته است**

**تا باری از دوش مردم بردارد؟!!**

-مسئولیت کمک‌رسانی به مردم و رفع نیازهایشان

و هزاران مسئولیت مهم دیگر که از طرف خالق هستی، بر اساس توان و استعداد هر فردی به او واگذار شده است.

نمونه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های پذیرفته شده توسط خودمان :
-مسئولیت‌هایی از قبیل: حفظ مرزهای اقتصادی و فکری، حفظ امنیت، حفظ سلامت، قانون گذاری، اجراء قوانین، خدمات‌رسانی و کمک به مردم، نظارت بر نیروهای اجرایی، آموزش و سواد‌رسانی به مردم تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی جامعه و هزاران هزار مسئولیت دیگر. افرادی از جنس همین مردم که این مقامات و مسئولیت‌ها را به عهده می‌گیرند و نقش مؤثری در سعادت و خوشبختی یا خدایی ناکرده شقاوت و بدبختی جامعه انسانی خواهند داشت.

■ **صداپیمان را به گوش مسئولان برسانید**

یکی با جسارت تمام و با صدایی بغض‌آلود می‌گوید: حاج‌آقا! چه کسی مسئول ازدواج ما جوانان است؟! پدر و مادر‌ها اقوام و خویشان؟ یا مسئولان کشوری؟
صداپیمان را به چه کسی باید برسانیم؟!
اصلا گوش شنوایی یافت می‌شود تا سخنی‌های از دواج و